

ادامه از صفحه اول

دلار پریهاهو، بورس حاشیه‌نشین

متأسفانه به جهت سهم محدود بورس در سرمایه‌گذاری‌های کشور، توانمندی آن از طریق روند قیمت سهام در تخصیص بهینه منابع برای سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. برای مثال، افزایش نرخ ارز در بهمن ۹۶ اثری افزایشی بر بهای سهام شرکت‌های تولیدکننده کالاها‌ی صادراتی داشت و امکان افزایش تأمین منابع مالی در بورس را فراهم کرد. در مقابل، فروش گواهینامه‌های سپرده ۲۰ درصدی، موجب کاهش قیمت سهام و در نتیجه محدودیت تأمین منابع مالی از طریق بازار سهام شد. روشن است که استفاده از شاخص‌های بورس زمانی می‌تواند توانمند باشد که بازار اوراق بهادار، سهم بزرگی در مجموعه مبادلات مالی کشور و به صورت اخص تأمین منابع مالی داشته باشد. در این زمینه با توجه به سهم کوچک بورس ایران در مبادلات مالی، شاخص‌های آن تصویر روشنی از اقتصاد کشور و تحولات آن نیست، بنابراین برای مثال احتمالا بعید است، در جهش اخیر نرخ ارز و در هنگام بررسی آثار سیاست‌های مقابله با آن نیم‌نگاهی بر آثار احتمالی سیاست‌ها از جمله اثر افزایش پنج درصد نرخ بهره در بازار رقیب بورس بر شاخص‌های بورس شده باشد. وقتی بورس ایران فرو می‌ریزد هیاهویی نیست، اما اگر ارز بالا برود یا سکه بالا برود، همه مقامات و فعالان بخش خصوصی ایران برای اطلاع از موضوع و تصمیم‌گیری‌های فوری، آماده‌باش می‌کنند. در مقابل، در سطح کشورهای توسعه‌یافته، اگر برای تحریک رونق یا مقابله با رکود، لازم باشد که نرخ بهره را ۰٫۲۵ درصد کاهش دهند، انگ‌زداری این تصمیم بر شاخص قیمت سهام در مرحله تصمیم‌گیری و ارزیابی مدن نظر قرار می‌گیرد. در حاشیه، شایان ذکر است فارغ از ارتباط نزدیک بهای طلا و ارز در ایران، بخش بزرگی از ارزش طلا در بازارهای جهانی به خاطر نقش پولی آن در گذشته بوده است که این نقش در دنیای مالی حاضر، عمدتاً منتفی یا بسیار کم‌رنگ شده است. از این منظر، قیمت جهانی بالا برای طلا، جدای از منافع تولیدکنندگان آن، در راستای حفظ منافع بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر طلای جهان ازجمله فدرال رزرو آمریکااست. در سال ۹۵ رشد شاخص کل بورس به میزان منفی ۳۰٫۷ درصد بود که متأثر از سوده‌ای بالای نظام بانکی، گسترش بازار بدهی، بسته‌بودن طولانی‌نماده‌ا، کاهش قیمت نفت و شرایط بین‌المللی از نظر مشکلات برجام و انتخابات آمریکا بوده است. در مقابل عملکرد خوب بورس در سال ۹۶ بسیار استثنائی بود. شاخص کل بورس در بازار اول در پایان سال ۹۶، به حدود ۹۶هزارو ۳۰۰ واحد رسید که رشد بسیار خوب ۲۵ درصد را در مقایسه با ابتدای سال ۹۶ نشان می‌دهد. در این سال، بازده بورس بیش از بازده سایر بازارهای رقیب، مانند مستغلات، سپرده در بانک، سکه طلا و ارز بوده است. در این ارزیابی، جهش بهمن‌نرخ ارز و به تبع آن جهش سکه، منظور نشده است. ارزش کل بازار – بورس و فرابورس – در پایان سال ۹۶، حدود پنج‌هزارو ۳۰۰ تریلیون ریال است. تعداد شرکت‌ها در بورس، حدود ۳۳۰ شرکت و حجم معاملات بورس و فرابورس برای کل سال ۹۶، حدود ۵۰ تریلیون ریال است. نسبت ارزش کل دو بازار به GDP جاری تقریبی سال ۹۶– ۱۵ هزار تریلیون ریال، حدود ۳۵ درصد و نسبت معاملات حدود چهار درصد است. از نظر مقایسه‌ای، حجم کل نقدینگی کشور هم در پایان سال ۹۶ حدود GDP جاری سال ۹۶ است. توجه شود حجم کل معاملات پنج بازار اوراق بهادار در سال ۹۶ حدود ۶۴۰ تریلیون است. پنج بازار شامل بازار بورس (بازار اول)، بازار فرابورس (بازار دوم)، بازار اوراق مشتقه، بازار بدهی و بازار صندوق‌های سرمایه‌گذاری است. سه بازار اخیر سهم بسیار بزرگی در بورس‌های کشورهای پیشرفته دارند. سیر صعودی شاخص‌های بورس در سال ۹۶ ناشی از خوش‌بینی‌ها از انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم، کنترل نرخ بهره، بهبود قیمت نفت، فراروده‌های نفتی و افزایش قیمت پاره‌ای از مواد معدنی بود. عامل کلیدی، اعمال سیاست‌های بانک مرکزی در پایان مرداد برای کنترل مؤسسات مالی و کاهش نرخ بهره سپرده‌گذاری در بانک‌ها با سطح ۱۵ درصد بود. چنان‌که شاخص کل در هشتم بهمن ۹۶ به ۹۹هزارو ۴۱۴ رسید. در مقابل پس از اعمال تدابیر سه‌گانه بانک مرکزی برای کنترل نرخ ارز که به همراه افزایش پنج درصد نرخ بهره در بازارهای وجوه وام‌دانی بانک‌ها بود، رقم مشابه در ۹۶/۱۲/۲۸ – آخرین روز کاری در ۹۶ – برای شاخص کل به ۹۶ هزارو ۲۸۹ سقوط کرد. این میزان کاهش، بیش از ۳۰٫۲ درصد دریک فاصله زمانی کوتاه است. در سال ۹۷، به دلیل نااطمینانی‌های جاری سیاسی، با وجود کاهش چشمگیر ارزش خارجی ریال در اواخر سال ۹۶ و اثر مثبت احتمالی آن بر بورس، پیش‌بینی رشد شاخص‌ها دشوار است. بورس می‌تواند در بخش مالی، نقش محوری در تأمین و تخصیص منابع داشته باشد. در بخش حقیقی، هدایتگر تجهیز و تخصیص بهینه پس‌انداز به سرمایه‌گذاری و تأمین‌کننده رشد اقتصادی بالاتر باشد. بورس می‌تواند از طریق انتقال پس‌اندازهای خارجی باعث توان بیشتر اقتصاد شود و از این طریق موجب تسریع رشد اقتصادی شود. به‌این‌ترتیب، رشد بورس می‌تواند نمایشگر رشد اقتصادی و نه فقط بیانگر فعالیت‌های سوداگرانه باشد. بورس می‌تواند ابزار نیرومند پایش فعالیت‌های اقتصاد و نماگر آن برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی باشد. از این منظر انعکاس دو بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰ و ۲۰۰۸ در عملکرد بورس‌های جهانی باز است.

شکوفه حبیب‌زاده؛ اسفند سال گذشته بود که رایزن بازرگانی ایران در روسیه، خبر از تشکیل کمیسیون مشترک همکاری اقتصادی ایران و روسیه را در ۱۵ کارگروه داده بود؛ کمیسویی با کارگروه‌های حمل‌ونقل، استاندارد، بانکی، گردشگری، ورزش‌وجوانان، سرمایه‌گذاری، امنی، آموزش عالی، صنعتی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، گرم‌گی، بهداشت، فرهنگ انرژی و معدن که به گفته فرهاد پوند تاکنون به امضای تفاهم‌نامه‌ای با وزارت صنعت، معدن و

تجارت در حوزه زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی منتج شده است و ۱۴ سند همکاری نیز آماده امضاست.

سرمایه‌گذاری ۵۰میلیارددلاری روسیه در توسعه مایدین نفت و گاز

با گذشت زمانی نه‌چندان طولانی، اخبار گوناگونی بر خروجی رسانه‌ها قرار گرفت که البته بیشتر از سوی روس‌ها منعکس می‌شد تا ایران؛ گسترش همکاری اقتصادی در فضای تحریمی دو کشور. با وجودی‌که نگاه تجار ایران به روسیه چندان مطلوب نیست و سابقه حضور روسیه در ایران بیشتر در قالب سودجویی بوده و همین موضوع نیز سایه سنگین این بی‌اعتمادی را بر روابط دو کشور در حوزه اقتصادی کشاندراده، حالا یوری یوشاکوف، دستیار رئیس‌جمهور روسیه، به نقل از خبرگزاری تاس، خبر داده سرمایه‌گذاری روسیه در مایدین نفت و گاز ایران احتمالاً به بیش از ۵۰ میلیارد دلار می‌رسد. خبری که در وهله نخست، بسیار شگفت‌انگیز است. ایران و روسیه سابقه همکاری بسیار اندک و کوچکی در حوزه انرژی داشتند و حالا خبر ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در این بخش منتشر می‌شود. به گفته یوشاکوف: «انرژی نویدبخش‌ترین حوزه همکاری بین ایران و روسیه است. شرکت‌های پشوروی نفت و گاز روسیه مانند گازپروم، گازپروم نفت، روس‌نفت، لوک‌ویل، زاروینفت و تان‌نفت به صورت سیستماتیک در حال کار روی توسعه مایدین در ایران هستند. انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری‌ها به بیش از ۵۰ میلیارد دلار برسد». پیش‌تر گزارش شده بود شرکت‌های گازپروم، روس‌نفت، لوک‌ویل، گازپروم نفت، تان‌نفت و زاروینفت تفاهم‌نامه‌ای را با شرکت ملی نفت ایران از سال ۲۰۱۶ به بعد امضا کرده‌اند. برخی از این شرکت‌ها، میدان‌هایی را اکتشاف کرده و پیشنهادهای توسعه آنها را به وزارت نفت ایران ارائه کرده‌اند. رویکرد همکاری ایران و روسیه پس از اعمال تحریم‌های آمریکا برای هر دو کشور، از سوی کارشناسان «چرخش از بلوک غرب به بلوک شرق» برای ایران بیان می‌شود؛ سخنی که پس از احتمال کاهش همکاری‌های ایران و اروپا پس از به‌خطرافتادن برجام و سنگینی فشارهای مستقیم و غیرمستقیم آمریکا بر ایران، رنگ و لعاب جدی‌تری

گرفت و تلاش ایران برای تعدد تخم‌مرغ‌هایش در سبد همکاری‌های اقتصادی بیشتر شد.

احتمال امضای قریب‌الوقوع توافق منطقه آزاد تجاری ایران واوراسیا

این تنها خبر منعکس‌شده نیست. یوری یوشاکوف، دستیار رئیس‌جمهور روسیه، در اظهارنظر دیگری خبر روس‌ها منعکس می‌شد تا ایران؛ گسترش همکاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا به رهبری روسیه و ایران نهایی شده است. به گزارش راشاتودی، یوری یوشاکوف گفت: «برنامه این است که توافق‌نامه در چند ماه آینده امضا شود». گزارش‌های اولیه از امضای قرارداد منطقه آزاد تجاری با ایران تا پایان ماه می پس از سه سال مذاکره خبر دارد. الکساندر نژواک، وزیر انرژی روسیه که رئیس کمیسیون بین‌الدولی ایران و روسیه نیز هست، ماه پیش گفت: «بدیهی است این قرارداد تحولات بیشتری در زمینه مبادلات تجاری دوجانبه و توسعه همکاری‌های سرمایه‌گذاری به راه خواهد انداخت». اتحادیه اقتصادی اوراسیا که بر اساس خبر ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در این بخش منتشر می‌شود. به گفته یوشاکوف: «انرژی نویدبخش‌ترین حوزه همکاری بین ایران و روسیه است. شرکت‌های بسیار اندک و کوچکی در حوزه انرژی داشتند و حالا خبر ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در این بخش منتشر می‌شود. به گفته یوشاکوف: «انرژی نویدبخش‌ترین حوزه همکاری بین ایران و روسیه است. شرکت‌های پشوروی نفت و گاز روسیه مانند گازپروم، گازپروم نفت، روس‌نفت، لوک‌ویل، زاروینفت و تان‌نفت به صورت سیستماتیک در حال کار روی توسعه مایدین در ایران هستند. انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری‌ها به بیش از ۵۰ میلیارد دلار برسد». پیش‌تر گزارش شده بود شرکت‌های گازپروم، روس‌نفت، لوک‌ویل، گازپروم نفت، تان‌نفت و زاروینفت تفاهم‌نامه‌ای را با شرکت ملی نفت ایران از سال ۲۰۱۶ به بعد امضا کرده‌اند. برخی از این شرکت‌ها، میدان‌هایی را اکتشاف کرده و پیشنهادهای توسعه آنها را به وزارت نفت ایران ارائه کرده‌اند. رویکرد همکاری ایران و روسیه پس از اعمال تحریم‌های آمریکا برای هر دو کشور، از سوی کارشناسان «چرخش از بلوک غرب به بلوک شرق» برای ایران بیان می‌شود؛ سخنی که پس از احتمال کاهش همکاری‌های ایران و اروپا پس از به‌خطرافتادن برجام و سنگینی فشارهای مستقیم و غیرمستقیم آمریکا بر ایران، رنگ و لعاب جدی‌تری

گفت

برستان نیز می‌تواند به این بلوک بپیوندد.

چاروسیه؟

حالا سؤال اینجاست که چه شد که ایران از اروپا دست کشید و به روسیه روی آورد؟ این پرسشی است که با یکی از کارشناسان مطرح کردیم. مینم کاراوند، کارشناس ارشد و تحلیلگر اقتصادی، به گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: ایران به واسطه صحبت‌هایی که از خروج آمریکا از برجام مطرح می‌شود، رویکرد رجوع

اقتصاد

سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیارددلاری روسیه در توسعه میادین ایران و تشکیل منطقه آزاد ایران واوراسیا

چرخش از بلوک غرب به بلوک شرق



به شرق را در پیش گرفته است و بهترین گزینه در این زمینه، روسیه است. از طرفی، روسیه نیز به دلیل تحریم‌هایی که آمریکا علیه این کشور وضع کرده است و از طرف دیگر به واسطه منافع مشترکی که در زمینه سیاسی با ایران در سوره و منطقه دارد، بدش نمی‌آید روابطش را با ایران بهبود ببخشد.

این کارشناس با اشاره به این نکته که هیچ‌یک از توافق‌هایی که تاکنون بین ایران و روسیه شکل گرفته، رنگ واقعیت به خود نگرفته است، می‌افزاید: دلیل این اتفاق، متفاوت است. بخشی به دلیل رویکرد بی‌اعتمادی بخش خصوصی ایران به روسیه است و بخشی هم به واسطه حمایت‌نکردن دولت از همکاری بین دو کشور. به همین خاطر تاکنون روابط دو کشور به راه‌آهن و خرید ریل و همکاری‌های نفتی برای توسعه میدان‌های ایران محدود شده است.

کاراوند با بیان اینکه از نظر صادرات غیرنفتی هم روابط دو طرف جهش چندانی نداشته است، می‌افزاید: ایران هم باوجودی‌که از طرف غرب و اروپا تحت فشار است، ترجیح می‌دهد به‌طور کامل تخم‌مرغ‌هایش را در یک سبد قرار ندهد و به روسیه تکیه نکند. بنابراین به نظر می‌رسد صرف‌نظر از تعارفات دیپلماتیکی که انجام می‌شود، قراردادهای دو طرف به بخش ریلی و نفتی محدود شود. او با اشاره به روابط آزدست‌رفته ایران می‌افزاید: با توجه به اینکه سال گذشته ایران فرصت استثنایی ترکیه را از دست داد و دوباره دو کشور روسیه و ترکیه به هم نزدیک شدند، روابط غیرنفتی ایران چندان متحول نشده است. به گفته او، دو طرف در حال تلاش هستند تا معاملات خود را با ارزهای ملی خود انجام دهند و اگر بتوانند موانع فنی را حل کنند، این اتفاق می‌تواند جهش در مبادلات دو کشور ایجاد کند، اما با توجه به ضعف پول ایران این اتفاق چندان محتمل نیست.

نگاه منفی تجار ایرانی به روسیه

این کارشناس ارشد و تحلیلگر اقتصادی با اشاره به نگاه منفی تجار ایرانی به روس‌ها، ادامه می‌دهد: همین‌طور است. حتی مقامات اتاق بازرگانی مشترک بین دو کشور، بارها تاکید کرده بودند که بخشی از عدم

توسعه روابط اقتصادی بخش خصوصی دو کشور به‌خاطر نگاه منفی‌ای است که تجار ایران به روس‌ها دارند، اما مسئله اینجاست که روسیه به‌جز ایران، شریک راهبردی قابل‌اعتمادی در منطقه ندارد و اگر همکاری ایران در سوریه و منطقه‌های نیود، خیلی از موفقیت‌های روسیه ممکن نبود. به عقیده من، تلاش روسیه برای گسترش روابط اقتصادی با ایران، بیشتر برای نزدیکی سیاسی به ایران است، البته این امر سبب نشده است که روس‌ها، موضوع اقتصادی را در نظر نگیرند و حتی در این شرایط باهرم، بالاس؛ چه در زمینه سیاسی و چه در زمینه اقتصادی به نفع روسیه است. حتی در بخش ریلی هم قراردادهایی را برای خرید و تولید واگن در ایران منعقد کرده‌اند که باز هم واردات برای ایران محسوب می‌شود و هیچ انتقال تکنولوژی‌ای در این زمینه صورت نمی‌گیرد.

چرخش ایران از غرب به شرق

منصور معظمی، معاون وزیر و رئیس هیئت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: امیدوارم صحبتی که از سوی دستیار رئیس‌جمهور روسیه مطرح شده است، جامه عمل به خود بینوشاند و روس‌ها به‌طور جدی در ایران چه در قالب مشارکت چه به‌صورت مستقیم، سرمایه‌گذاری کنند. معظمی ادامه می‌دهد: این اقدام، فرصتی خواهد بود تا روس‌ها در توسعه صنعتی ایران شرکت کنند. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط غرب، اکنون شرایط مناسبی برای همکاری با اروپا وجود ندارد و فرصت از دست رفته است. از طرفی ایران به شدت نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز چه با هدف توسعه و چه با هدف حفظ و نگهداشت وضعیت موجود است. بنابراین اگر روس‌ها در ایران سرمایه‌گذاری کنند، باید به فال نیک گرفت. این مقام مسئول در پاسخ به اینکه پیام گسترش همکاری دو کشور و نزدیکی روسیه به ایران چیست، می‌گوید: تاکنون در صنعت نفت و گاز، نگاه به همکاری با روسیه نبوده است. این رویکرد جدیدی است اما اکنون شرایط متفاوت است. این رویکرد جدید و نگاه به شرق، به لحاظ تکنولوژیک، افراد، ارتباطات و… ملزومات خاص خود را دارد.

به گفته او، با توجه به شرایط کنونی ایران در جهان، باید سبد سرمایه‌گذاری در ایران با دیگر کشورها، بسیار متنوع باشد و فقط معطوف به غرب نباشد. ما باید از هر فرصتی که می‌توانیم از سرمایه‌گذاری استفاده کنیم، کشور را معطل نکنیم زیرا نیاز ایران به سرمایه‌گذاری بسیار بیش از این اعداد و ارقام است و فرصت‌های سرمایه‌گذاری فراوانی هم برای روس‌ها در ایران وجود دارد.

یعنی سقف بازپرداخت در سقف فعلی باقی بماند، به لحاظ اینکه طرف تقاضا و درآمدی که خانوارها در اختیار دارند، کفاف بازپرداخت را نمی‌دهد و بازپرداخت مامانه افزون‌تر می‌شود، نمی‌تواند مشکل طرف تقاضا را حل کند؛ بنابراین سیاست‌گذاری‌ها در سطح کلان باید به‌گونه‌ای باشد که قدرت تقاضا نشستن‌گرفته از درآمد خانوارها باشد؛ یعنی اگر تغییری در مدت‌زمان بازپرداخت تسهیلات صورت نگیرد، نمی‌تواند شامل حال افرادی شود که بتوانند از این موقعیت بهره‌برداري کنند؛ بنابراین در حیطه اختیار وزارت راه‌وشهرسازی نیست که درآمد خانوارها را افزایش دهد. وزارت مسکن باید بتواند تولید و نحوه مسکن را با بحث درآمدی جامعه تطبیق دهد و جهت‌گیری را در سطح کلان کشور در حوزه مسکن ترسیم کند؛ اما مسئولیت ایجاد درآمدهای جدید برای خانوارها برعهده وزارت مسکن نیست. بنابراین این سیاست نمی‌تواند سیاست دوجاهر مستقیم و غیرمستقیم باشد. اما اگر ما به بانک‌ها به دلیل تغییرنکردن در ساختارها و مدت‌زمانی که برای اعطای تسهیلات در نظر می‌گیرد، نمی‌تواند دراین‌باره موفق عمل کند؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد این سیاست برای سال ۹۷ سیاست موفقیت‌ باشد. دولت باید رکودحاکم در اقتصاد را کاهش دهد تا اقتصاد در دالان رونق قرار گیرد. این هم زمانی است که هم رشد اقتصادی ایجاد شود و هم تقاضا افزایش یابد. طرف تقاضا باید باز با افزایش درآمدی روبه‌رو شود تا عرضه‌های موجود را جذب کند.

بانک مسکن ناتوان در پرداخت تسهیلات

احمد حاتم‌یزد، کارشناس ارشد بانکی، معتقد است که نته‌ها بانک مسکن که بانک‌های دیگر نیز توان و امکانات مالی برای پرداخت این میزان وام را ندارند. این امری است که هم‌اکنون منابع بانک‌ها تمام شده و بانک‌ها به بانک مرکزی سیاست دوجاهر مستقیم و غیرمستقیم تقاضا می‌یابند؛ اما اگر وام به مردم داده شود، مرکز نیز حدود ۱۱۷ هزار میلیارد تومان شده است که رقم بالایی است. او با بیان اینکه اساساً پرداخت وام خرید مسکن کارعقلانه‌ای نیست، به «شرق» می‌گوید وام خرید مسکن کمکی به تولید مسکن نمی‌کند. راه صحیح‌تر این است که وام به سازندگان مسکن اعم از انبوه‌سازان داده شود. اگر وام مسکن به انبوه‌سازان پرداخت و وام به خریداران منتقل شود، تولید بانک‌های مسکونی افزایش می‌یابد؛ اما اگر وام به مردم داده شود تا خانه‌های موجود را خریداری کنند، تنها قیمت مسکن و تورم در بخش مسکن افزایش می‌یابد؛ بنابراین آقای آخوندی بهتر است به جای تلاش برای افزایش وام خرید مسکن، منابع موجود را نه فقط از بانک مسکن بلکه از تمام بانک‌ها به انبوه‌سازان سوق دهد. به‌عنوان مثال برای هر فردی که مالک زمین است و قصد ساخت دارد تا ۲۰۰ میلیون تومان یا هر عددی که امکان‌پذیر وجود دارد، برای هر واحد مسکونی تسهیلات پرداخت شود و بعد از ساخت، وام به خریداران نهایی واحدها منتقل شود.

یادداشت

سقف دیروز، کف امروز!

علی پالار

کارشناس و تحلیلگر اقتصادی

● شوک فتوحات جدید قله‌های دلار آن‌هم در روزهای نیمه‌تعطیل آغازین سال ۹۷، خبر از سالی سخت برای اقتصاد ایران می‌دهد. اقتصاد هنوز در شوک دلار پنج‌هزارتومانی بود که در روز بعدش توانست رکورد قیمت پنج‌هزارو ۱۰۰ تومانی را آن‌هم در حرکت یک‌ضرب روزانه در تابلوی صرافی‌ها به ثبت برساند. در پیش‌بینی‌های گذشته فعالان طی‌کردن این مسیر در بازه زمانی طولانی‌تری قرار بود محقق شوند، اما نه با این سرعت. در واقع قیمت‌هایی که در گذشته نه‌چندان دور سقف قیمتی محسوب می‌شدند، به کف‌های قیمتی تبدیل شده‌اند. برای پیش‌بینی ادامه این روند که تا کی این داستان ادامه خواهد داشت یادآوری چند نکته خالی از لطف نیست. در شرایطی که دولت با استناد به شرایط درآمدهای نفتی و بهبود وصول این درآمدها بعد از اجرای برجام از وضعیت مناسب ذخایر ارزی سخن می‌گوید، بحران‌های چند وقت گذشته نشان داد شاید کلیت درآمدهای ارزی دولت در شرایط مساعدی قرار داشته باشد ولی درآمدهای دلاری و حتی یورو در وضعیتیتی که بتواند در مقابل این‌گونه هیجانات واکنش مناسبی نشان دهد. از این جهت بین شرایط مساعد ذخایر ارزی دولت و ذخایر در دسترس دلاری دولت باید تفکیک قائل شد و عرضه دلار تحت تأثیر تحریم‌های دلاری آمریکا حتی در صورت اجرای کامل برجام با موانع همراه خواهد بود؛ چه برسد به این روزها که اقتصاد با ریسک بازگشت تحریم‌ها انتظارات را متأثر کرده است. به عبارت کلی محدودیتی که در طرف عرضه دلار وجود دارد، همواره از عوامل مهم افزایش قیمت دلار بوده و خواهد بود.

از سوی دیگر شرایطی که بر بازار ارز حاکم است، گویای تغییر شرایط طرف عرضه و تقاضا هم‌زمان به همراه تغییرات انتظارات در جهت افزایش قیمت دلار است. در سمت عرضه طبق اظهارات رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس تنها در ماه‌های پایانی سال گذشته بیش از ۳۰ میلیارد دلار از از کشور خارج شده است که نشان از تغییر انتظارات سرمایه‌گذاران، به دلیل افزایش ریسک‌های سیاسی لغو برجام دارد. متأسفانه مطلوب مورد انتظار طرف آمریکایی نه‌تنها دیگر لغو برجام نیست بلکه اعمال سیاست‌های تحریمی است تا ایران را به شرایط انزوای گذشته برگرداند. تنش‌های منطقه‌ای در کنار چرخش ملایم اروپا درخصوص مواضع برجام و واکنش‌های احتمالی ایران، احتمال سخت‌ترشدن اوضاع را بیشتر می‌کند. راه‌حلی که دولت برای بازگرداندن ثبات به بازار ارز در نظر گرفته است، به‌عنوان یکی از پیش‌افتاده‌ترین راه‌حل‌ها و شاید به‌عبارت دقیق‌تر از روی ناچاری بوده است. جذب‌سازی بازار پول به‌عنوان یکی از بازارهای موازی (افزایش نرخ سود سپرده‌های یک‌ساله بانکی) و بازگشت نقدینگی‌های سرگردان به بازار پول اقدامی فوری بوده که بانک مرکزی به منظور و حتی با فروکش‌نکردن این تب انتظار افزایش مجدد نرخ سود بانکی در سال جدید دور از انتظار نخواهد بود. همان‌طور که گفته شد و مسئولان اقتصادی نیز اذعان کردند، پشتوانه اصلی افزایش قیمت دلار علت سیاسی بوده است؛ از این جهت همان‌طور که مشاهده شده است، صرف در دستور کار قراردادن یک بسته اقتصادی حتی توانسته ثبات را برای کوتاه‌مدت به بازار ارز برگرداند. برای توضیح بیشتر باید گفت که نقدینگی نجومی موجود در اقتصاد ایران در کنار ریسک‌های سیاسی دو بال پرواز دلار در چند مدت اخیر بوده است. در تئوری‌های اقتصادی تقاضای نگهداری پول با انگیزه سفته‌بازی تابعی منفی از نرخ بهره یا میانگین بازدهی دارایی‌های جایگزین پول است و با توجه به اینکه نقدینگی در اقتصاد ایران در ۲۰ سال اخیر هر سال حداقل ۲۰ درصد رشد داشته و در فضای رکودی سال‌های اخیر بازارهای مولد اقتصادی از جذابیت بالایی برخوردار نبوده است، به عبارت اقتصادی نرخ بازدهی دارایی جایگزین پول نقد در اقتصاد پایین بوده و ترجیحات نگهداری پول با انگیزه سفته‌بازی در سطح بالایی قرار داشته است. در این شرایط کافی است سبکبالی از یک بازار مشاهده شود تا شاهد سرازیرشدن و جذب نقدینگی به آن بازار باشیم. حال این سبکبال با افزایش ریسک‌های سیاسی در بازار مشاهده شده است، از سوی دیگر راه‌حل قرار گرفته‌شده، خود بستر را برای تقاضای نگهداری پول در سطح بالا فراهم می‌کند. زیرا از آنجا که یکی از دلایل عمده نقدینگی نجومی سودهای موهومی بوده که در دوره‌های گذشته شبک‌های بانک پرداخت کرده است، با توجه به مطالب گفته‌شده با افزایش نرخ سود شاهد تداوم افزایش نقدینگی و تقاضای سفته‌بازی برای آینده خواهیم بود. در آخر می‌توان پیش‌بینی کرد مادامی که ریسک سیاسی نیز با این پدیده همراه باشد، سقف‌شکنی‌ها در بازار ارز ادامه خواهد داشت.